

**بررسی «برجام» در مجلس شورای اسلامی، جزو هیأت رئیسه بودید؛ این تعابیر را می پذیرید؟**  
 برجام اتفاقی است که باید می افتاد و راه گریزی از آن نبود.

**چرا راه گریزی نبود؟**  
 نقطه عطف مذاکرات هسته‌ای، جمله معروف حضرت آقا بود که در این مقطع تاریخی باید «نرمش قهرمانانه» داشته باشیم. این تعبیر به کلی سیاست‌های راهبردی را تغییر داد و قرار شد با تعامل سازنده، وارد بازی برد-برد با قبا شویم.

**چرا استراتژی تغییر کرد؟**  
 دلایل زیادی داشت؛ رقیب ما به ناحق، علیه ما وحدت جهانی ایجاد و این گونه القا کرده بود که ایران هم برای منطقه و هم جهان، خطرناک است. حرف‌های بی‌ربطی بود؛ با این همه موفق شده بودند اتحاد جهانی به وجود آورده و تحریم‌های سنگین و ظالمانه‌ای علیه ما وضع کنند. من قبلاً هم گفته‌ام اگر کسی تصویری می‌کند با رفع تحریم‌ها، همه مشکلات ما حل خواهد شد، قطعاً اشتباه کرده است. اما معنایش این نیست که اگر تحریم‌ها رفع نمی‌شد، ما می‌توانستیم مسائل مان را حل کنیم. هم در زمان دولت قبلی و هم در دولت فعلی گفته‌ام

سهم مشکلات اقتصادی ما از تحریم ۳۵ درصد بود و مابقی مسائل مدیریتی، ناشی‌گری، تندروی، بی‌تدبیری و قس علیهذا بود؛ اما باید توجه داشت پایه رفع ۶۵ درصد مشکلات، همان ۳۵ درصدی است که بواسطه تحریم‌ها به وجود آمده بود. بر این اساس بر پایه بیانات حضرت آقا مبنی بر «نرمش قهرمانانه» یک دیپلماسی خوب، قوی و قدرتمند شروع شد؛ در واقع یک جنگ جدی شروع شد و سرداران دیپلماسی بخوبی مبارزه و گفت‌وگو کردند. ایده آل ما این بود که ۱۰٪ بزنیم و هیچ نخوریم؛ اما ۷ تا ۸٪ زدیم ۳ تا ۴ تا هم خوردیم. گاش نخوردیم بودیم؛ اما در نهایت پیروز شدیم.

**می‌شد شکل نخورد؟**  
 هدف باید همیشه بالاتر از آن چیزی باشد که قابل دسترس است؛ منظور بلندپروازی و قدم زدن در برابر نیست. حضرت آقا زمانی فرمودند اصولگرایی بین

ایده آل فکر کردن و واقعیات است؛ باید اینها را با هم جفت و بست بزنیم؛ نمی‌شود فقط در برابر ما قدم بزنیم. همین امروز اگر کسی از من سؤال کند: «دلت می‌خواست برجام شروع نمی‌شد؟» می‌گویم نه؛ برجام یک واقعیت بود. فرماندهان دیپلماتیک ما هم خوب کار کردند و جزو کارهای موفق بود. الان هم «پسابرجام»، و بحث اجرای تعهدات است. از قبل پیش‌بینی می‌شد و حضرت آقا بارها و بارها فرمودند اینها به تعهدات خود عمل نمی‌کنند؛ همه ما این واقعیت را می‌دانستیم که طرف ما، آدم‌هایی هستند که اولاً تا بتوانند تعهد نمی‌دهند و اگر تعهد هم بدهند، زیرش می‌زنند. اما اینکه یکی بگوید هیچ اتفاقی نیفتاده است، خوب ظالمانه است؛ چون خیلی اتفاقات افتاده است؛ خیلی از تحریم‌ها برداشته شده و می‌توان مجموعه‌ای از تحریم‌هایی که رفع شد از جمله فروش نفت، بیمه بازرگانی و... را ردیف کرد. یک تعدادی هم مانده است که این حتماً به خاطر خلف وعده طرف مقابل است. تردید نکنید قرار ما این بود که تحریم‌ها در یک نقطه برداشته شود؛ الان همه تحریم‌های ناشی از مسائل هسته‌ای را برداشتند؛ ثانیاً به میدان‌های دیگر رفتند و می‌خواهند یکسری تحریم جدید را به وجود آورده یا تحریم‌های قبلی «آیسا» را تمدید کنند. بعضی جاها هم جست‌وجوی کنند تا از منافذ و تعبیری سوراخ‌های تفاهمنامه استفاده کنند. اگر مادقت بیشتری کرده بودیم، این فضاها به وجود نمی‌آمد. البته بعضی چیزها را می‌دانستیم اما در عمل نتوانستیم طرف مقابل را قانع کنیم.

**اشاره کردید «برجام» ضرورت ملی بود و تلاش ملی هم شد تا به نتیجه برسد. طیفی از منتقدان «برجام»، علاوه بر دولت به مجلس هم نقد دارند؛ مثلاً عنوان می‌کنند تصویب «برجام» در مجلس، ۲۰ دقیقه‌ای بود؛ بدون اینکه مصطلحات سنجی و منافع ملی لحاظ شود. بخشی به شما و آقای علی لاریجانی که اداره مجلسات را به عهده داشتید انتقاد داشته‌ومی‌گویند هواداری شما از دولت، باعث شد آن «ملاحظاتی ملی» در تصویب «برجام» لحاظ نشود. این انتقاد وارد است؟**  
 اگر بخوایم منصفانه ببینیم، باید به روند نگاه کنیم. مذاکرات منتهی



به «برجام» ۱۸-۱۷ ماه طول کشید؛ مجلس طی این فرآیند، مرتب موضوع را رصد می‌کرد. در مسیر خیلی تلاش می‌شد نقاط ضعف به حداقل برسد. ایده آل ما این بود نقاط ضعف به صفر برسد، اما همان موقع هم می‌دانستیم شاید نرسد. مثالی می‌زنم؛ برای اینکه یک موشک را به هوا بفرستیم، سالها و روزها مطالعه، طراحی و برنامه‌ریزی می‌شود اما در نهایت موشک در یک لحظه به هوا پرتاب می‌شود. مجلس هم در روند مذاکرات، نظارت خود را داشت و بالاخره باید در جایی یک ماده واحد به تصویب می‌رسید که هم اقتدار مجلس را حفظ کند و هم بعداً بتواند نظارت داشته باشد. نکته دیگر این است که عموم مجلس نمی‌تواند وارد بحث‌های ریز کارشناسی بشود؛ نه تخصصش را دارد و نه توانش را. همیشه مسائل مهم ابتدا به کمیسیون‌های رود تا کارهای تخصصی و کارشناسی روی آن انجام شود و بعد به صحن بیاید. ممکن است به بعضی نمایندگان برخورد اما تغییرات یک مصوبه در صحن علنی مجلس، عموماً اصلاح‌کننده نیست و ممکن است کار را خراب‌تر کند. از این مثال‌ها زیاد داریم، گاهی با یک حرف و صحبت، با دعوا و شعار، تریبون خاموش کردن یا روشن کردن تغییراتی در صحن علنی اتفاق می‌افتد که کار را خراب می‌کند.

«برجام» یک متن تخصصی و پیچیده‌ای بود که همه مقامات دربار آن بحث کردند و اگر یک کلمه‌اش بالا و پایین می‌شد، می‌توانست خسارت بار شود. بعضی نمایندگان نه برای اینکه «برجام» اصلاح شود، بلکه برای اینکه به تصویب نرسد، صدها پیشنهاد مطرح کرده بودند که نیاز مان را به عقب می‌انداخت یا جلوی کیفیت را می‌گرفت. در حالی که مصوبه مجلس نتیجه ماه‌ها کار تخصصی بود. اینکه بگویند ۲۰ دقیقه‌ای تصویب شده، خیلی ظالمانه است؛ چون ماه‌ها کار شده بود. اگر قرار بود این موضوع در صحن علنی مجلس پهن شود، هم زمان و هم کیفیت کار را از دست می‌دادیم و ممکن بود چیزی تصویب کنیم که به نفع دشمن شود.

**دستاور دبرجام «تقریباً هیچ» است...**  
 حتماً این طور نیست؛ اگر بخوایم فقط یک قلم از دستاوردها را بگوییم این است که ما در اوج تحریم ۷۰۰ هزار بشکه نفت می‌فروختیم؛ الان ۹ میلیون بشکه می‌فروشیم. در زمان تحریم خیلی در دسر داشت تا پولمان به دستمان برسد؛ الان یکی دو تا مانع دارد، ولی قابل عبور است. یادمان نرود در اوج تحریم‌ها اعلام نشده اما عملانفت در مقابل غذا یا نفت در مقابل دارو بود. فقط برای وارد کردن دارو، باید کلی بروکر اسی پیچیده بین المللی را طی می‌کردیم. الان نفت مامی فروش؛ بازار گانی و بیمه راه افتاده است؛ رفت و آمد داریم؛ اما در جواب این سؤال که «آیا ۵+۱ به همه تعهدات عمل کرده؟» باید گفت: نه، نکرده است.

**یک عده می‌گویند اگر «برجام» مؤثر بود، چرا انترش در سرفه‌های مردم دیده نشد؟**  
 برای جواب این سؤال باید به قبل‌تر برگردیم؛ یک انتقاد به دولت وارد است که در بدو امر تبلیغ زیادی کرد که اگر توافق هسته‌ای منعقد و تحریم‌ها رفع شود، همه چیز حل می‌شود. این اشتباه استراتژیک دولت بود؛ نکته دوم اینکه بعضی از پارامترهای اقتصادی، زمانبر است و نتیجه‌اش با فاصله مشخص می‌شود؛ اگر ما سال ۹۳ سرمایه‌گذاری جدیدی نداشتیم، نتیجه سوء‌اثر ارسال ۹۵ می‌بینیم؛ اگر سال ۹۵ سرمایه‌گذاری می‌شد، سال ۹۷ جواب می‌دهد. نکته سوم که پیش‌تر هم گفته‌ام این است که امنیت و احساس امنیت، یا رفاه و احساس رفاه دو مقوله جداست. برخی فکری می‌کنند این دو پارامتر یکی است. ممکن است جایی امنیت باشد، اما احساس امنیت نباشد؛ رفاه باشد اما احساس رفاه نباشد.

**یابرعکس؟**  
 بله؛ رونق و تورم هم همین‌طور است. دوستان می‌گویند تورم ۴۵ درصدی را رساندیم به ۹ درصد. اما همه این را حس نمی‌کنند؛ طرف می‌رود پنیر بخرد، می‌بیند گران شده است. نهادی که آمار می‌دهد، آمار درست داده است؛ ۱۰۰ قلم کالایی از جمله مسکن را حساب کرده و نرخ تورم را اعلام کرده است. اما باید توجه داشت قیمت مسکن سه سال است، ایستاده و ۱۰ درصد کاهش تورم، ناشی از توقف

قیمت مسکن بوده است. از طرف دیگر تشدید رکود، کاهش تورم است. نقدی که قبلاً هم به دولت مطرح کردم این است که هدف‌گذاری برای تورم یک رقمی اشتباه است. آقای روحانی در ایام تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری، گفت می‌خواهیم هم چرخ سانسزینتیوژهایمان بچرخد، هم چرخ زندگی مردم. تحریم‌ها برداشته شده است، اما این چرخ نمی‌چرخد.

**رشد ۶ درصدی کجای این معادله است؟**  
 ۶ درصد رشد اقتصادی دروغ نیست؛ آمار درستی است؛ اما رشد اقتصادی یک ماهه یا دو ماهه اثری در زندگی مردم ندارد. مثالی می‌زنم؛ همه قبول داریم از زمستان به سمت تابستان، هوا گرم می‌شود. اما در این میان یک روز از روز قبلش ۵ درجه سردتر می‌شود یا ممکن است یک روز از روز قبلش ۱۵ درجه گرم‌تر بشود. کسی نمی‌گوید چون امروز هوا ۱۵ درجه گرم‌تر شده، بناست تا تابستان روزی ۱۵ درجه گرم شود. ممکن است یک ماه فروش نفت مان ۱.۵ میلیون بشکه، به دو میلیون بشکه برسد؛ این خودش دو واحد در صدر شد تعریف می‌کند؛ اما می‌توانیم هر ماه یک میلیون بشکه به فروش مان اضافه کنیم؟ قاعدتاً به ۳ میلیون بشکه رسیدیم، متوقف می‌شود. بنابراین چنین مانورهایی زیننده نیست. اینها مطالبه عمومی ایجاد می‌کنند و برخی ها که محاسبه دقیق ریاضی نمی‌دانند، سوءظن پیدا کرده و فکر می‌کنند بهشان دروغ گفته شده است. الان وقت برای دولت خیلی تنگ است؛ مجموعه افکار عمومی، منصف است. مردم نمی‌خواهند تا انتخابات اردیبهشت ماه مسأله اشتغال حل شود، اما یک روزنه‌هایی می‌خواهند. برای خانواده‌ای که ۵-۴ فارغ‌التحصیل بیکار دارد باید این امید به وجود بیاید که یک نفر شان شاغل خواهد شد. این حس تا به مردم نرسد، می‌گویند رکود همان ۵- درصد است.

**با توجه به مواضع ضد برجامی ترامپ در ایام تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، تأثیر روی کار آمدن وی را در مسیر اجرای «برجام» چگونه می‌بینید؟**

بینید هر کدام از طرفین گروه ۵+۱، به تنهایی می‌توانند زیرکلی «برجام» بزنند؛ اما اولاً مکانیزم برهم زدن توافق راحت نیست و ثانیاً طرفی که زیر تعهداتش می‌زند، دیگر نمی‌تواند یک اتحاد جهانی علیه ما به وجود آورد. ما هم می‌توانیم زیر «برجام» بزنیم؛ فقط آمریکا نیست که بتواند این توافق را پاره کند؛ ما هم می‌توانیم آتش بزنیم و همواره هم این گزینه روی میز ما هست. این گونه نیست که ما گزینه خروج از «برجام» را از روی میز برداشته باشیم؛ اما برخی معتقدند الان به آن نقطه رسیدیم که این طور نیست؛ الان به آنجا نرسیدیم. درست است که آنهایی تعهدی می‌کنند و فشار غیر منطقی می‌آورند؛ در مقابل ما هم باید دیپلماسی فعال داشته باشیم و حقمان را به صورت کامل بگیریم. برخی‌ها در کشور می‌گویند: «کاش از روز اول، برجام نبود» من قبول ندارم. بعضی‌ها می‌گویند: «کاش امضا نمی‌شد» این را هم قبول ندارم. بعضی‌ها می‌گویند: «حالا که امریکای گوید زیرش می‌زند، ما هم زیرش بزنیم» این را هم قبول ندارم. اگر رقیب، فشارها را به حدی برساند که طاقت ماطاق شود؛ آن موقع ما هم می‌توانیم. ممکن است یک فرصت نیاز داشته باشد تا به قبل از «برجام برگردیم»، ولی حتماً می‌توانیم برگردیم. اما اینکه «آیا راه داریم برگردیم؟» نه؛ به عمل کرد رقیب بستگی دارد.

**بالیان اوصاف فرجام «برجام» در دوران ترامپ را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟**

ترامپ در ۶-۵۰ ساله اخیر تاریخ آمریکا، نخستین رئیس جمهوری «بیزینس من» این کشور است. بقیه رؤسای جمهوری آمریکا، سابقه سیاسی داشتند و او نخستین رئیس جمهوری است که فقط تاجر بوده است که البته می‌تواند نقطه قوت باشد. در جریان انتخاب ترامپ چند اتفاق رخ داد؛ فارغ از حرف‌هایی که در روزهای پایانی تبلیغات بین هیلاری و ترامپ رد و بدل شد، ترامپ در ایام تبلیغات حرف‌هایی زد که از دو حال خارج نبود؛ باشان می‌داد که او اصلاً سیاست را نمی‌فهمد یا اینکه سیاست پیچیده‌ای دارد که فعلاً بر کسی واضح نیست. از طرف دیگر برای نخستین بار موضوع دخالت کشوری مثل روسیه در انتخابات و تغییر نتیجه انتخابات امریکاست که برای امریکایی‌ها یک توهین به شمار می‌رود. از طرف دیگر سیاه‌پوستان یکی از مراکز قدرت در امریکاست، علیه ترامپ بعد از اینکه سوگند خورده، حرف می‌زنند. به نظر من آقای ترامپ که ان شاء الله خدا عقابتش را ختم به خیر کند، سمبل تناقض هاست؛ از یک طرف می‌گوید رابطه من با اسرائیل خوب است و از طرف دیگر او با مابای خود ۶ هزار میلیارد دلار برای امنیت خاورمیانه هزینه کرد. یکی از شعارهایش این بود که امریکا مخروبه است و می‌خواهم آن را درست کنم. بر این اساس ترامپ یا خیلی پیچیده است یا پراز تناقض که من فکری کنم بخش دواست. من بر اساس ظاهر امر فکری می‌کنم ترامپ باید یکی دو سال کار کند تا خودش را پیدا کند.

**همان طور که می‌گویند برای قضایات زود است، اما می‌توان گفت ترامپ برای ایران تهدیدی می‌شود یا فرصت؟**  
 من توهم توطئه ندارم، اما باید حواسمان جمع باشد؛ باید دشمن را جدی بگیریم؛ طرفدار تعامل سازنده هستیم، اما ذره‌ای نباید غفلت کنیم.